

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۴۰-۱۲۳

تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

حسین اصغریور

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)
asgharpurh@gmail.com

بهزاد سلمانی

دانشیار اقتصاد دانشگاه تبریز
behsalmani@gmail.com

صمد حکمتی فرید

استادیار اقتصاد دانشگاه ارومیه
hekmat188@yahoo.com

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۸۴) است. برای این منظور از دو متغیر درجه باز بودن تجاری و نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید به‌عنوان شاخص‌های جهانی شدن استفاده شده است. با به‌کارگیری تکنیک داده‌های تابلویی ضمن آزمون فرضیه کوزنتس آثار متغیرهای جهانی شدن، سهم مخارج دولت از GDP، تورم و رشد جمعیت بر ضریب جینی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توزیع درآمد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرضیه کوزنتس بین کشورهای اسلامی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، همچنین یافته‌ها حاکی از آنست که توزیع درآمد با افزایش درآمد سرانه واقعی بهبود یافته و با گسترش جهانی شدن نامتعادل تر می‌گردد.

طبقه بندی JEL: C12, D31, F10.

واژه‌های کلیدی: درآمد سرانه، توزیع درآمد، فرضیه کوزنتس، جهانی شدن، کشورهای اسلامی.

۱. مقدمه

بررسی ادبیات اقتصادی دلالت بر این دارد که توزیع درآمد به دلیل تعامل با سایر متغیرهای کلان اقتصادی ادبیات گسترده‌ای را به خود اختصاص داده و یکی از محورهای اصلی نظریات و مباحث اقتصاددانان بوده است. یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد کشورها جهانی شدن و نحوه ارتباط اقتصادی با بازارهای جهانی است. بررسی تجربی کشورها نشان می‌دهد آزادسازی تجاری و جهانی شدن بسته به شرایط اولیه و ساختار اقتصادی کشورها آثار متفاوت و گاه متناقضی بر توزیع درآمد کشورها بر جای گذاشته است، به طوری که در برخی کشورها با گسترش جهانی شدن توزیع درآمد بهتر و در برخی دیگر از کشورها موجب بدتر شدن توزیع درآمد شده است. در این زمینه چالش اساسی این است که کشورها چگونه سیاست‌های جهانی شدن خود را تنظیم نمایند تا در مسیر توسعه خود بیشترین منافع را کسب نموده یا زیان ناشی از آن را به حداقل برسانند.

در واقع اغلب کشورها در مواجهه با نحوه اتخاذ سیاست‌های تجاری تعامل با دنیای خارج، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی محتاط بوده و نگران تحت تأثیر قرار گرفتن متغیرهای مهم اقتصادی از جمله توزیع درآمد می‌باشند. این نگرانی به‌ویژه در رابطه با اقتصاد کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی که ساختار اقتصادی آنها به‌طور کامل در رویارویی با اقتصاد آزاد جهانی شکل نگرفته است اهمیت بیشتری می‌یابد. از آنجا که روند جهانی شدن رو به رشد بوده و کشورها ناگزیر در این مسیر قرار می‌گیرند آگاهی و شناخت از چگونگی ارتباط بین جهانی شدن و توزیع درآمد می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های تجارت خارجی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

از این رو مطالعه حاضر تلاش می‌کند با استفاده از داده‌های تجربی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به بررسی آثار درجه باز بودن تجاری^۱ و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (به‌عنوان معیارهای جهانی شدن) بر توزیع درآمد کشورهای اسلامی بپردازد. در جهت شناخت آثار جهانی شدن بر توزیع درآمد لازم است آثار عوامل دیگر مؤثر بر توزیع درآمد نیز سنجیده شود.

در این راستا ضمن آزمون فرضیه کوزنتس به بررسی آثار مخارج دولت، نرخ تورم و رشد جمعیت بر توزیع درآمد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته می‌شود. به این منظور، در بخش‌های ۲ و ۳ مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد صورت پذیرفته و در بخش ۴ و ۵ داده‌ها و روش انجام تحقیق و تصریح مدل بیان شده است. در بخش ۶ نتایج تجربی تحقیق در قالب الگوهای مختلف ارائه شده و آثار متغیرهای مختلف بر توزیع درآمد طی سال‌های (۲۰۱۰-۱۹۸۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در انتهای مقاله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

در این بخش مبانی نظری عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در حوزه‌های جهانی شدن، درآمد سرانه، تورم و مخارج دولت بررسی می‌گردد.

در ادبیات اقتصادی جهانی شدن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد شناخته شده است. اقتصاددانان جهانی شدن را به‌عنوان تحرک آزاد کالاها، خدمات، نیروی کار و سرمایه بین مرزهای کشورها می‌دانند، با این حال تحرک آزاد کالاها و عوامل تولید اغلب به دلایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی متعدد در طول زمان و بین کشورها محدود می‌باشد. جهانی شدن فرایندی است که در آن اقتصاد بازاری غرب در سطح بازارهای جهانی گسترش می‌یابد و باعث تغییرات سریع در روابط تجاری، جریان‌های مالی و تحرک نیروی کار شده و موجب نزدیک شدن اقتصاد کشورها می‌گردد (حشمتی، ۲۰۰۶).

نحوه اثرگذاری جهانی شدن بر رشد و نابرابری از طریق رقابت بازار، تخصیص منابع و دسترسی به تکنولوژی‌های جدید امکان‌پذیر می‌باشد. این اثرگذاری در جریان تخصیص منابع و از طریق تغییر در تقاضای عوامل و بازده مالکان عوامل تولید صورت می‌پذیرد. بررسی نظرات اندیشمندان اقتصادی نشان می‌دهد در زمینه نحوه اثرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد اتفاق نظر وجود ندارد. برخی اقتصاددانان جهانی شدن را به‌معنای توزیع بهینه عوامل تولید در سطح بین‌الملل دانسته و آن را به‌مثابه انگیزه‌ای برای افزایش کارایی، رشد سرمایه‌گذاری، افزایش رفاه و کاهش نابرابری می‌دانند، اما گروهی دیگر عقیده دارند که جهانی شدن نابرابری

بین ملت‌ها را افزایش داده و کاهش مشاغل در برخی کشورها را موجب خواهد شد و در نهایت منجر به نابرابری بیشتر می‌گردد (شانگ، ۲۰۰۶).

در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در خصوص رابطه جهانی شدن و توزیع درآمد صورت گرفته است که هر یک از شاخص‌های خاصی برای تعریف جهانی شدن استفاده نموده‌اند. میلانویچ (۲۰۰۳) از درجه باز بودن اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای تعریف جهانی شدن استفاده نموده است. کریشنا دات (۲۰۰۵) از نسبت تجارت خارجی به GDP و نسبت جریان سرمایه به GDP برای انعکاس جهانی شدن استفاده نموده است. اون لی (۲۰۰۶) برای جهانی شدن از دو شاخص نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP و درجه باز بودن تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP) استفاده نموده است.

در خصوص نحوه تأثیر درجه باز بودن تجاری بر نابرابری کشورها می‌توان ۴ کانال را در نظر گرفت. کانال نخست از طریق سهم نسبی عوامل تولید می‌باشد، چراکه با افزایش میزان درجه باز بودن تجاری تقاضای نیروی کار غیرماهر نسبت به ماهر افزایش یافته و باعث افزایش دستمزد و دارایی افراد غیرماهر شده و نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

کانال دوم از طریق تحت تأثیر قرارداد نابرابری دارایی می‌باشد، زیرا با افزایش درآمد واقعی گروه‌های فقیر تحت تأثیر بازبودن تجاری قادر به انباشت دارایی و اخذ وام خواهند شد و نابرابری کاهش می‌یابد.

کانال سوم به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای اشاره می‌نماید، به طوری که با افزایش درجه باز بودن تجاری اختلاف درآمد مناطق مختلف یک کشور فرضی نیز کاهش می‌یابد و کانال چهارم به سیاست‌های توزیع مجدد درآمد دولت‌ها اشاره می‌نماید و تأکید می‌کند که با افزایش باز بودن تجاری عوامل تولید به شدت به تغییرات نرخ مالیات حساس خواهند بود و افزایش مالیات باعث می‌شود این عوامل به کشورهایی که مالیات‌های کمتری دارند جابجا شوند، در نتیجه مالیات به سمت عوامل غیرمتحرک تمایل خواهد یافت و به این ترتیب با افزایش درجه باز بودن تجاری توانایی حکومت‌های ملی در توزیع درآمد کاهش می‌یابد (اندرسون، ۲۰۰۵).

در خصوص آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد نیز نظرات متفاوتی وجود دارد. نخستین مطالعه تأثیر جریانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توزیع درآمد توسط ماندل (۱۹۵۷)

صورت پذیرفت که در آن این فرضیه مطرح شد که افزایش جریان FDI^۱ از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه باعث افزایش بهره‌وری و دستمزد واقعی شده، بنابراین توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. در مقابل، فینسترا و هانسون^۲ (۱۹۹۷) اعتقاد دارند که جریان FDI تنها تقاضا برای نیروی کار ماهر کشورهای در حال توسعه را بالا می‌برد و موجب افزایش دستمزد واقعی نیروی کار ماهر نسبت به نیروی کار غیرماهر می‌شود و متعاقب آن نابرابری درآمد افزایش می‌یابد (تیان و همکاران، ۲۰۰۸).

پیدایش نظریات ارتباط درآمد سرانه و توزیع درآمد تقریباً همزمان با شکل‌گیری علم اقتصاد به وجود آمده است و اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک نظریاتی ارائه نمودند که از ارتباط بین درآمد سرانه و توزیع درآمد حکایت می‌نمود، اما طرح اندیشه‌های جدید در خصوص نحوه تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد توسط سیمون کوزنتس^۳ (۱۹۵۵) انجام پذیرفت. وی در یکی از مقاله‌های خود تحت عنوان "رشد اقتصادی و نابرابری درآمد" این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور نابرابری درآمد نخست افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی به تدریج کاهش می‌یابد. این الگو بعدها به نام منحنی U وارون کوزنتس معروف شد. از لحاظ نموداری فرضیه کوزنتس بیانگر رابطه‌ای U معکوس بین درآمد سرانه واقعی و توزیع درآمد است و بیانگر تابع درجه دوم به شرح زیر است که این تابع دارای یک نقطه اکسترمم می‌باشد:

$$G = a_0 + a_1 Y + a_2 Y^2 + U_t \quad (1)$$

اگر G ضریب جینی و Y درآمد سرانه واقعی باشد فرضیه توزیع درآمد کوزنتس زمانی صادق است که ضرایب a_1 و a_2 معنادار و علامت این ضرایب به ترتیب مثبت و منفی باشد (گیلیس و رومر، ۱۳۷۹).

تورم از عوامل مهم مؤثر بر توزیع درآمد محسوب می‌شود. وقوع تورم از طرق مختلف بر توزیع درآمد تأثیرگذار می‌باشد. زمانی که تورم اتفاق می‌افتد افزایش قیمت‌ها بیشتر از افزایش

1. Foreign Direct Investment
2. Feenstra & Hanson
3. Simon Kuznets

دستمزدها خواهد بود و حقوق‌بگیران متضرر خواهند گردید، بنابراین نابرابری درآمد افزایش می‌یابد، زیرا ضرر نسبی آن برای افراد فقیر بیشتر از افراد ثروتمند می‌باشد. کانال عمده دیگر برای تأثیر تورم بر توزیع درآمد فرضیه بدهکار-بستانکار است. چنانچه نرخ بهره اسمی کاملاً نسبت به نرخ تورم تعدیل نگردد افزایش نرخ تورم باعث توزیع مجدد درآمد به نفع بدهکاران در مقابل بستانکاران خواهد بود (لی و همکاران، ۲۰۰۲).

چگونگی اثرگذاری هزینه‌های دولتی بر توزیع درآمد به توزیع این مخارج بین بخش‌ها، مناطق و گروه‌های درآمدی بستگی خواهد داشت. مخارج سرمایه‌ای می‌توانند با افزایش بهداشت یا سطح آموزش و پرورش از طریق بهره‌وری نیروی کار بر وضعیت توزیع درآمد آثار مساعدی داشته باشند. پرداخت‌های انتقالی دولت بدون توجه به توانایی‌های افراد به‌طور مستقیم تعدیلاتی در توزیع درآمد به‌وجود می‌آورند. از آن جهت که بخشی از پرداخت‌های انتقالی به ارگان‌های ذیربط جهت نقل و انتقالات و هزینه‌های اجرایی آن اختصاص می‌یابد، حتی در خصوص پرداخت‌های انتقالی نیز ابهام وجود دارد. در مجموع، هزینه‌های دولتی ممکن است به دلایل مختلفی نظیر روش تأمین مالی هزینه‌های دولتی، ترکیب هزینه‌های دولتی و توزیع این مخارج بین بخش‌ها آثار مساعد یا نامساعدی بر توزیع درآمد داشته باشند (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶).

۳. پیشینه تحقیق

در این بخش خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالعات حوزه توزیع درآمد در حوزه مطالعات خارجی و داخلی به‌صورت جدولی ارائه می‌گردد.

جدول ۱. خلاصه مطالعات خارجی در خصوص توزیع درآمد

نتیجه	نوع داده‌ها	محدوده مکانی	سال	محقق
تورم توزیع درآمد را بدتر می‌سازد. اثر تورم بر سهم درآمدی خانوارهای فقیر و متوسط منفی و بی‌معناست.	تابلویی	بین کشوری	۲۰۰۲	لی و همکاران
تأثیر درجه بازبودن بر توزیع درآمد به سطح میانگین درآمد کشورها بستگی دارد.	تابلویی	منتخبی از کشورهای جهان	۲۰۰۳	میلانوویچ
هیچ‌گونه رابطه علی مستقیمی بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی وجود ندارد.	تابلویی	۱۳ کشور آمریکای لاتین	۲۰۰۴	گارسیا و باندیریا
بین درجه باز بودن تجاری و نابرابری درآمد رابطه منفی وجود دارد.	تابلویی	کشورهای در حال توسعه	۲۰۰۵	اندرسون
افزایش سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش نابرابری درآمد می‌شود.	تابلویی	اتحادیه اروپا	۲۰۰۶	اون لی
آزادسازی تجاری و جریان FDI هر دو منجر به بهبود توزیع درآمد گشته‌اند.	سری زمانی	چین	۲۰۰۸	تیان و همکاران
نابرابری درآمد رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.	تابلویی	منتخب کشورهای آسیا و اروپا	۲۰۱۰	بیگسترن و لوین
رشد اقتصادی، میزان مخارج اجتماعی، نهادهای بازار نیروی کار و میزان تحرک اجتماعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد است.	تابلویی	۲۵ کشور اتحادیه اروپا	۲۰۱۴	مالربا و اسپریفکو

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۲. خلاصه مطالعات داخلی در خصوص توزیع درآمد

نتیجه	نوع داده‌ها	محدوده مکانی	سال	محقق
گسترش تجارت خارجی منجر به بهبود توزیع درآمد شده است. جریان ورود سرمایه خارجی موجب بدتر شدن نابرابری درآمد در ایران شده، اما این اثر از لحاظ آماری معنادار نبوده است. فرضیه کوزنتس رد می‌شود. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید، تورم و هزینه‌های دولتی نابرابری را افزایش می‌دهد.	سری زمانی	ایران	۱۳۸۴	مهرگان و اصغرپور
فرضیه کوزنتس در ایران به دلیل وابستگی رشد کشور به نفت به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری رد می‌شود. نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید و تورم نابرابری را افزایش می‌دهد.	بین استانی - تابلویی	ایران	۱۳۸۶	ابونوری و خوشکار
نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید و تورم نابرابری را افزایش می‌دهد.	سری زمانی	ایران	۱۳۸۷	مهرگان و همکاران
آزادسازی تجاری طی دوره (۲۰۰۴-۱۹۹۵) منجر به بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری در کشورهای D8 شده است.	مقطعی	۲۰ کشور اسلامی	۱۳۸۷	ابونوری و همکاران
رابطه غیرمستقیم جهانی شدن با نابرابری درآمد در جوامع شهری ایران	داده های پانل	کشورهای دی هشت	۱۳۸۹	نجاززاده و مهدوی راسخ
در کوتاه‌مدت افزایش تجارت خارجی توزیع درآمد را در تمام دهک‌ها عادلانه‌تر می‌نماید، اما در بلندمدت به دهک بستگی دارد.	سری زمانی	ایران	۱۳۹۰	جلایی و اسفندآبادی و ستاری
	سری زمانی	ایران	۱۳۹۲	جلایی و گرگینی

مأخذ: نتایج تحقیق.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق به کار رفته در این مطالعه اسنادی می‌باشد. تمام داده‌های مربوط به متغیرهای مدل از شاخص‌های توسعه بانک جهانی (WDI)^۱ (۲۰۱۲) طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۸۴) استخراج گردیده‌اند. با توجه به عدم وجود داده‌های آماری برای تمام کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از بین ۵۷ کشور اسلامی ۳۲ کشور آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو،

1. World Development Indicators

کامرون، مصر، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، گایانا، اندونزی، ایران، اردن، قزاقستان، قرقیزستان، مالزی، مالی، موریتانی، موروکو، موزامبیک، نیجریه، پاکستان، سنگال، تاجیکستان، تانزانی، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا، ازبکستان و یمن که دارای آمار و اطلاعات کافی در مورد ضریب جینی بوده‌اند انتخاب شده است.

در این مطالعه با توجه به نوع داده‌های مورد مطالعه برای تجزیه و تحلیل‌های استنباطی از روش داده‌های تابلویی^۱ استفاده شده است. پیش از تخمین مدل ابتدا لازم است آزمون F_{Leamer} و هاسمن^۲ صورت پذیرد. در آزمون F می‌بایست بررسی نمود که آیا ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود ناهمگنی از روش داده‌های تابلویی و در غیر این صورت از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)^۳ برای تخمین مدل استفاده می‌شود. برای انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

۵. تصریح مدل

با توجه به بررسی‌های نظری و مطالعات تجربی مربوط به عوامل تأثیرگذار بر نابرابری درآمد مدل اقتصادسنجی تحقیق به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$\begin{aligned} GIN_{it} = & \beta_0 + \beta_1 NI_{it} + \beta_2 NIS_{it} + \beta_3 OPE_{it} + \beta_4 FDI_{it} + \beta_5 GOV_{it} \\ & + \beta_6 DEF_{it} + \beta_7 GRO_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (2)$$

که در آن GIN_{it} : ضریب جینی کشور i در زمان t ، β_0 : عرض از مبدأ، NI_{it} : درآمد سرانه حقیقی کشور i در زمان t (به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵)، NIS_{it} : مجذور درآمد سرانه حقیقی کشور i در زمان t ، OPE_{it} : نسبت واردات و صادرات به GDP کشور i در زمان t ، FDI_{it} : نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP کشور i در زمان t ، GOV_{it} : سهم مخارج دولت از GDP کشور i در زمان t ، DEF_{it} : نرخ تورم کشور i در زمان t که از شاخص ضمنی تعدیل‌کننده GDP محاسبه شده است و GRO_{it} : رشد جمعیت کشور i در زمان t است.

1. Panel Data
2. Hausman Test
3. Ordinary Least Square

این مدل برگرفته از مطالعه اون لی و همکاران (۲۰۰۶) می‌باشد که در آن ضریب جینی تابعی از درآمد سرانه، مربع درآمد سرانه، درجه باز بودن تجاری^۱، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سایر متغیرهای تأثیرگذار بر GDP در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است این مدل در بسیاری از مطالعات حوزه توزیع درآمد کاربرد دارد و تنها اختلاف مدل‌های مختلف مربوط به بخش آخر متغیرهای توضیحی یعنی سایر متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد می‌باشد که از میان متغیرهایی نظیر نرخ تورم، سهم مخارج دولت از GDP، سهم مالیات از GDP، نرخ رشد جمعیت، سطح جمعیت، سرمایه انسانی، نرخ بیکاری و ... انتخاب می‌شوند. به‌عنوان مثال، در مدل حشمتی (۲۰۰۴) نیز متغیر وابسته ضریب جینی بوده و متغیرهای توضیحی درآمد سرانه، مربع درآمد سرانه، مجموع واردات و صادرات به GDP و نسبت FDI به GDP، متغیرهای سال‌های تحصیل، جمعیت و متغیرهای موهومی^۲ نشان‌دهنده منطقه کشورهای مورد بررسی به‌عنوان سایر متغیرها در نظر گرفته شده است. این امر در مدل تیان و همکاران (۲۰۰۸) نیز به کار گرفته شده است و به‌جای سایر متغیرهای توضیحی از مخارج دولت در بیمه‌های اجتماعی استفاده شده است.

۶. یافته‌های تجربی

همانطور که پیش از این ملاحظه شد بر اساس مدل اقتصادسنجی ارائه‌شده تأثیر متغیرهای درآمد سرانه حقیقی، مجذور درآمد سرانه حقیقی، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP، باز بودن تجاری، سهم مخارج دولت از GDP، تورم و رشد جمعیت بر توزیع درآمد میان کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رابطه یک تحقیق با استفاده از تکنیک پانل دیتا برآورد شده است. برای این منظور، ابتدا با استفاده از آماره آزمون F_{Leamer} معنادار بودن اثرات ثابت آزمون شده است. نتایج آماره آزمون F معنادار بودن اثرات ثابت و استفاده از روش با اثرات ثابت را به‌جای عرض از مبدأ مشترک تأیید نموده است. نتایج آزمون در جدول (۳) ارائه شده است.

1. Openness
2. Proxy Variables

جدول ۳. نتایج آزمون معنادار بودن اثرات ثابت (Fixed Effect)

مقدار آماره آزمون	مقدار ارزش احتمال
F_{Leamer}	(PV)
۶/۳۰	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

برای انتخاب روش مناسب بین روش با اثرات ثابت و تصادفی^۱ می‌بایست از آماره آزمون هاسمن^۲ استفاده نمود. نتایج آماره آزمون هاسمن برای انتخاب روش مناسب نشان می‌دهد برای تخمین مدل روش با اثرات ثابت نسبت به روش با اثرات تصادفی روش مناسبی می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن (Hausman Test)

مقدار آماره آزمون χ^2	درجه آزادی	مقدار ارزش احتمال
۱۴۵/۵۹	۷	۰/۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

در ادامه با توجه به نتیجه آماره آزمون هاسمن در انتخاب روش مناسب مدل اصلی تحقیق با روش اثرات ثابت تخمین زده شده است. نتایج تخمین مدل در جدول (۵) نشان داده شده است.

1. Fixed & Random Effect
2. Hausman Test

جدول ۵. نتایج برآورد اثرات متغیرهای توضیحی بر ضریب جینی در رابطه یک

برآورد مدل یک با اثرات ثابت			
متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
مقدار ثابت (C)	۰/۳۲۰۲۲	۱۱/۲	۰/۰۰۰
درآمد سرانه حقیقی (NI)	-۰/۰۲۹۷	-۱/۹۳	۰/۰۵۶۴
مجدور درآمد سرانه حقیقی (NIS)	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۷	۰/۹۴۴۱
نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید (FDI)	۰/۰۰۱۰	۱/۹۹	۰/۰۴۹۷
درجه باز بودن تجاری (OPE)	۰/۰۰۱۰	۳/۹۶	۰/۰۰۰۲
سهم مخارج دولت از تولید (GOV)	۰/۰۰۱۴	۰/۸۴	۰/۴۰۳۱
نرخ تورم (DEF)	۰/۰۰۰۰	۱/۰۱	۰/۳۱۵۵
نرخ رشد جمعیت (GRO)	۰/۰۰۲	۰/۳۲	۰/۷۴۴۴

$$R^2 = ۰/۷۸$$

$$F = ۸/۵۳$$

$$\text{Schwarz criterion} = -۲/۷۸$$

مأخذ: نتایج تحقیق.

نگاهی به نتایج برآورد رابطه یک بر اساس روش اثرات ثابت نشان می‌دهد قدرت توضیح‌دهندگی مدل مناسب بوده و کلیت رگرسیون بر اساس آماره آزمون F مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این مدل ضرایب درآمد سرانه واقعی، سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی از تولید و درجه باز بودن تجاری در سطح کمتر از ۱۰ درصد معنادار می‌باشند، اما ضرایب مجدور درآمد سرانه واقعی، نرخ تورم تعدیل‌کننده GDP، سهم مخارج دولت از تولید و نرخ رشد جمعیت حتی در سطح ۱۰ درصد نیز از لحاظ آماری معنادار نیست. نگاهی به علائم ضرایب این مدل نشان می‌دهد فرضیه کوزنتس بین کشورهای مورد بررسی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد به عبارت دیگر، از آنجا که یافته‌های تجربی دلالت بر رابطه معکوس توزیع درآمد با درآمد سرانه واقعی و مجدور درآمد سرانه واقعی دارد، بنابراین رابطه U شکل بین توزیع درآمد و درآمد سرانه واقعی برقرار نبوده و فرضیه کوزنتس رد می‌شود. رد فرضیه کوزنتس در بسیاری از مطالعات مشاهده می‌شود، بر اساس مطالعات دینینگر و اسکوایر (۱۹۹۷) فرضیه کوزنتس در اغلب موارد رد می‌شود و تنها در

معدودی از کشورها مورد تأیید قرار می‌گیرد، همچنین راتی رام اعتقاد دارد در بررسی نمونه‌های بین‌کشوری کشورهای در حال توسعه تأیید این فرضیه با مشکل مواجه می‌شود. بررسی نتایج نشان می‌دهد گسترش جهانی شدن باعث بدتر شدن توزیع درآمد بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی گردیده است، چنانچه افزایش سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از GDP و درجه باز بودن تجاری باعث افزایش ضریب جینی گردیده است. نتایج نشان می‌دهد رشد جمعیت نیز به‌عنوان عامل بدترکننده توزیع درآمد بین کشورهای اسلامی مطرح بود و با افزایش رشد جمعیت شاهد افزایش ضریب جینی می‌باشیم. اثر مخارج دولت نیز بر ضریب جینی مثبت بوده و باعث افزایش نابرابری درآمد گردیده است. شایان ذکر است که ضرایب مجذور درآمد سرانه واقعی، نرخ تورم تعدیل‌کننده GDP و سهم مخارج دولت از تولید و نرخ رشد جمعیت از لحاظ آماری در مدل تجربی معنادار نیست و تفسیر آثار آنها بر توزیع نابرابر درآمد نمی‌تواند به‌راحتی صورت پذیرد. با توجه به رد فرضیه کوزنتس متغیر مجذور درآمد سرانه واقعی از رابطه یک حذف شده و مدل جدیدی با عنوان رابطه (۳) در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{GIN}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{NI}_{it} + \beta_2 \text{OPE}_{it} + \beta_3 \text{FDI}_{it} + \beta_4 \text{GOV}_{it} + \beta_5 \text{DEF}_{it} + \beta_6 \text{GRO}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

نتایج تخمین رابطه (۳) در جدول (۶) در قالب الگوی اول نشان داده شده است. در این مدل نیز همانند رابطه (۱) با توجه به نتایج آزمون F_{Leamer} استفاده از روش عرض از مبدأ مشترک رد شده است، همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن مدل اثرات ثابت جهت تخمین رابطه (۳) انتخاب گردیده است. بررسی ضرایب تخمین زده شده نشان می‌دهد تمام متغیرهای مدل بجز سهم مخارج دولت از تولید، نرخ تورم و نرخ رشد جمعیت معنادارند. برای تعیین متغیرهای اضافی^۱ بی‌معنای مدل از معیار شوارتز^۲ و آزمون درست‌نمایی^۳ استفاده شده است. در الگوی (۲) متغیر نرخ رشد جمعیت، در الگوی (۳) متغیرهای نرخ رشد جمعیت و نرخ تورم و

1. Redundant Variable
2. Schwarz Criterion
3. Redundant Variable- Log Likelihood Ratio

در الگوی (۴) علاوه بر متغیرهای قبلی متغیر سهم مخارج دولت از GDP نیز از رابطه (۳) حذف شده و به‌عنوان الگوی منتخب تحقیق (الگوی ۴) در نظر گرفته شده است. نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد با حذف متغیرهای بی‌معنای مدل مقدار آماره F افزایش و مقدار آماره شوارتز کاهش یافته و در عین حال میزان R^2 مدل تغییر محسوسی نداشته است.

جدول ۶. نتایج برآورد آثار متغیرهای توضیحی بر ضریب جینی در رابطه (۳)

شرح	الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم	الگوی چهارم
مقدار ثابت (C)	۰/۳۲۰۷*	۰/۳۲۷۲۶*	۰/۳۲۶۹*	۰/۳۴۴۰*
درآمد سرانه حقیقی (NI)	-۰/۰۳۰۶*	-۰/۰۳۱۱*	-۰/۰۳۲۸*	-۰/۰۳۴۱*
نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید (FDI)	۰/۰۰۰۹۷*	۰/۰۰۰۹۸*	۰/۰۰۰۹۶**	۰/۰۰۰۹۷**
درجه باز بودن تجاری (OPE)	۰/۰۰۰۹۳*	۰/۰۰۰۹۳*	۰/۰۰۰۹۷*	۰/۰۰۱۰*
سهم مخارج دولت از تولید (GOV)	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۱۴	۰/۰۰۱۳	-
نرخ تورم (DEF)	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	-	-
نرخ رشد جمعیت (GRO)	۰/۰۰۰۲	-	-	-
مقدار آماره F_{Leamer}	۶/۴۵	۸/۷۱	۸/۷۷	۸/۱۸
مقدار ارزش احتمال F_{Leamer}	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مقدار آماره χ^2 برای آزمون هاسمن	۱۲/۲۰	۱۹/۰۰	۲۱/۴۹	۱۴/۹۹
درجه آزادی برای آزمون هاسمن	۶	۵	۴	۳
مقدار ارزش احتمال آزمون هاسمن	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
R^2	۰/۷۷۲۴	۰/۷۷۲۱	۰/۷۷۱۲	۰/۷۶۹۳
F	۸/۸۸	۹/۲۴	۹/۵۸	۹/۷۹
Schwarz Criterion	-۲/۸۲	-۲/۸۶	-۲/۸۹	-۳/۳۶

**): معنادار در سطح کمتر از ۵ (۱۰) درصد.

مأخذ: نتایج تحقیق.

نگاهی به نتایج برآورد الگوی (۴) بر اساس روش اثرات ثابت نشان می‌دهد قدرت توضیح‌دهندگی مدل مناسب بوده ($R^2=۰/۷۶۹$) و کلیت رگرسیون بر اساس آماره آزمون F مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این مدل ضرایب مربوط به درآمد سرانه واقعی، سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید و درجه باز بودن تجاری معنادار می‌باشند.

ضرایب تخمینی متغیرهای مدل نشان می‌دهند شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) با درآمد سرانه واقعی رابطه معکوس دارد و با افزایش هر ۱۰۰۰ دلار درآمد سرانه واقعی، ضریب جینی به‌طور متوسط به اندازه ۰/۰۳ واحد کاهش می‌یابد. با توجه به رد فرضیه کوزنتس بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی نتایج مدل نشان می‌دهد افزایش درآمد سرانه واقعی باعث کاهش شکاف بین فقیر و ثروتمند در طول سال‌های تحقیق شده است و این نتیجه تأییدکننده نظرات رشد به نفع فقراست.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد گسترش جهانی شدن باعث بدتر شدن توزیع درآمد در کشورهای اسلامی گردیده است، به طوری که به‌طور متوسط افزایش یک درصدی نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید باعث افزایش ۰/۰۰۱ واحدی ضریب جینی و افزایش یک درصدی نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید موجب افزایش ۰/۰۰۱ واحدی ضریب جینی گردیده است. این نتیجه با نتایج بسیاری از مطالعات گذشته (که تعدادی از آنها در بخش پیشینه تحقیق ذکر گردید) همخوانی دارد. دلیل تشدید نابرابری درآمد در اثر گسترش جهانی شدن می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. به‌عنوان مثال، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش تفاضای نیروی کار ماهر شده و نابرابری را افزایش می‌دهد، همچنین ورود این نوع سرمایه می‌تواند بازدهی سرمایه را در کشور میزبان کاهش دهد. برخی بر این باورند که وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی فرصت بهره‌کشی را ایجاد می‌نماید که باعث ضعف اقتصادی و در نهایت تشدید نابرابری می‌شود، همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است باعث شود فعالیت‌های گروه‌هایی که در شرکت‌های چندملیتی دارای امتیازند افزایش یابد و مردم فقیر در حاشیه قرار گیرند.

گروهی اعتقاد دارند جهانی شدن نابرابری بین ملت‌ها را افزایش داده و حتی موجب افزایش نابرابری درآمد جهانی می‌گردد. گونار میردال^۱ معتقد است گسترش تجارت خارجی به تنهایی نمی‌تواند عامل برابری باشد، چراکه کشورهای صنعتی دارای صنایعی هستند که نه تنها نقش پیشرو را ایفا می‌نمایند، بلکه از صرفه‌های حاصل از مقیاس نیز برخوردارند، در حالی که

1. Gunnar Myrdal

صنایع کشورهای در حال توسعه اغلب نیازمند حمایت دولت‌ها می‌باشند و گسترش تجارت آزاد کشورهای توسعه‌نیافته را به تولید کالاهای اولیه سوق می‌دهد.

برای بررسی استحکام الگوی نهایی تحقیق از نتایج الگوهای (۳)-(۱) استفاده شده است. چنانچه در جدول (۶) مشاهده می‌شود با اضافه نمودن متغیرهای رشد جمعیت سهم مخارج دولت از GDP و نرخ تورم به الگوی نهایی تحقیق و ایجاد الگوهای (۳)-(۱) تغییری در علائم و معنادار بودن ضرایب درآمد سرانه حقیقی، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید و نسبت مجموع صادرات و واردات ایجاد نشده است که نشان‌دهنده استحکام الگوی نهایی تحقیق می‌باشد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه با استفاده از داده‌های سال‌های (۲۰۱۰-۱۹۸۴) و با بهره‌گیری از تکنیک اقتصادسنجی داده‌های تابلویی آثار متغیرهای عمده اقتصادی بر توزیع درآمد ۳۲ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، ابتدا مدل تحقیق با در نظر گرفتن عوامل مهم تأثیرگذار بر توزیع درآمد شامل درآمد سرانه حقیقی، مجذور درآمد سرانه حقیقی، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید، رشد جمعیت، سهم مخارج دولت از GDP و نرخ تورم مورد بررسی و تخمین قرار گرفت که نتایج آزمون‌های F و هاسمن دلالت بر انتخاب روش تخمین اثرات ثابت بود. بر این اساس فرضیه کوزنتس رد شده و متغیرهای نرخ تورم، سهم مخارج دولت از GDP و رشد جمعیت از لحاظ آماری معنادار نبوده و به این دلیل آزمون حذف متغیرهای اضافی برای این ۳ متغیر مذکور انجام گرفت که نتیجه این آزمون حاکی از حذف این متغیرها بود، بنابراین مدل نهایی تحقیق در غیاب ۳ متغیر مذکور مجدد مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آزمون‌های F و هاسمن مدل اثرات ثابت به‌عنوان مدل مناسب برای تخمین انتخاب شده و نتایج آن دلالت بر این دارد که با افزایش درآمد سرانه حقیقی توزیع درآمد کشورهای اسلامی بهبود یافته و شکاف فقیر و غنی به میزان اندکی کاهش یافته است. در این زمینه دولت‌ها می‌بایست برای تأمین هدف رشد به‌نفع فقیر سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که رشد اقتصادی عمدتاً از طریق متغیرهای تأثیرگذار نظیر سرمایه‌انسانی و بهبود بهره‌وری حاصل گردد.

نتایج مدل نشان می‌دهد گسترش جهانی شدن که با شاخص‌های درجه آزادی تجاری و نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سنجیده می‌شود منجر به تشدید نابرابری درآمد بین اقتصاد کشورهای اسلامی شده است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش تجارت خارجی به‌عنوان نمودهایی از جهانی شدن جزء ضروریات اقتصادی بوده و دولت‌ها با توجه به فوایدی نظیر انتقال تکنولوژی و افزایش بهره‌وری سیاست‌های گسترش جهانی سازی را دنبال می‌کنند توصیه می‌شود همراه با جهانی شدن دولت‌ها با اقداماتی نظیر ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، تقویت پایه‌های اقتصاد داخلی، تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری و شفاف‌سازی قوانین در جهت کاهش آثار منفی جهانی شدن اقدام نمایند.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین‌استانی"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷، بهمن و اسفند، صص ۶۵-۹۵.
- ابونوری، اسماعیل، خوشکار، آرش و پدرام داودی (۱۳۸۷)، شاخص‌های اقتصادی و توزیع درآمد میان کشورهای اسلامی"، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*، مشهد.
- جلایی، سیدعبدالمجید و امید ستاری (۱۳۹۰)، "پیش‌بینی اثر جهانی شدن اقتصاد بر توزیع درآمد در جامعه روستایی ایران با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی"، *روستا و توسعه*، شماره ۳، صص ۱-۲۰.
- جلایی، سیدعبدالمجید و مصطفی گرگینی (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین هر یک از دهک‌های درآمدی شهری ایران"، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای (دانش و توسعه)*، شماره ۵، صص ۴۸-۶۸.
- گیلیس، ترکنز و رومر اسنور گراس (۱۳۷۹)، *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.
- مهرگان، نادر و حسین اصغرپور (۱۳۸۴)، "پیامد تعامل با اقتصاد جهانی بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران"، شیراز: همایش اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی: چالش‌ها و فرصت‌ها، اردیبهشت.
- مهرگان، نادر، موسایی، میثم و رضا کیانی‌حکمت (۱۳۸۷)، "رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران"، *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۵۷-۷۷.
- نجارزاده، رضا و الهام مهدوی‌راسخ (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه D8"، شماره ۱۴، صص ۸۷-۱۰۹.

Anderson, Edward (2005), "Openness and Inequality in Developing Countries: A Review of Theory and Recent Evidence", *World Development*, Vol. 33, No. 7, PP. 1045-1063.

- Bigsten, Arne & Jorgen Levin (2010), "Growth, Income Distribution and Poverty: A Review", Working Papers Id: 3296, eSocialSciences.
- Deininger, Squire (1997), "Economic Growth and Income Inequality, Reexamining the Links", *Finance & Development*.
- Eun Lee, Jung (2006), "Inequality and Globalization in Europe", *Journal of Policy Modeling*, No. 28, PP. 791-796.
- Garcia, F. & A. C. Banderia (2004), "Economic Reforms, Inequality and Growth in Latin America and Caribbean", *Cepal Review*, No. 77, PP. 79-95.
- Heshmati, Almas (2004), "Growth, Inequality and Poverty Relationship", IZA Discussion Paper, No. 1338.
- Heshmati, Almas (2006), "Measurement of a Multidimensional Index of Globalization", *Global Economy Journal*, Vol. 6, Issue 2.
- Li, Hongyi & Zoo Hengfu (2002), "Inflation, Growth & Income Distribution: A Cross-Country Study", *ANNAIS of Economics and Finance*, Vol. 3, PP. 85-101.
- Malerba, Giuseppina & Marta Spreafico (2014), "Structural Determinants of Income Inequality in the European Union: Evidence from a Panel Analysis", *Rivista Internazionale di Scienze Sociali*, Vol. 124, Issue 1, PP. 37-84.
- Milanovic, Branko (2003), "Can Discern the Effect of Globalization on Income Distribution?", World Bank, Washington, Development Research Group.
- Mundell, R. A. (1957), "International Trade and Factor Mobility", *American Economic Review*, Vol. 47, PP. 321-335.
- Shang-Jin, Wei (2003), Globalization and Inequality, International Monetary Fund, NBER and CEPR, 153.
- Krishna, Dutt (2005), "Globalization and the Inequality among Nations", *Economics Letters*, No. 88, PP. 295-299.
- Tian, Xiaofio, Baotai Wang & Ajit Dayanadan (2008), "The Impact of Economic Globalization on Income Distribution: Empirical Evidence in China", *Economics Bulletin*, Vol. 4, No. 35, PP. 1-8.